

نقش خانواده نابسامان بر پدیده کودکان کار (مطالعه موردی: استان یزد)

تاریخ دریافت: ۸۸/۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۸۸/۹/۱۰

دکتر اکبر زارع شاه آبادی^۱، دکتر مسعود حاجی زاده میمندی^۲، صدیقه اکبری قورتانی^۳

چکیده

مسئله و هدف: میلیون ها کودک در سراسر جهان در خیابان ها کار و زندگی می کنند؛ چنانکه از پدیده کودکان کار به عنوان تراژدی شهرهای بزرگ جهان معاصر یاد می شود. در کشور ما نیز حضور کودکان در محیط کار به اشکال مختلف و در بیشتر موارد به علت وجود خانواده نابسامان همواره وجود داشته است؛ شهر یزد نیز از این پدیده مستثنی نیست. گسترش این پدیده، در سال های اخیر به حدی است که واکنش افکار عمومی را برانگیخته است. هدف اصلی این مقاله بررسی نقش خانواده نابسامان در بروز پدیده کودکان کار پرداخته می شود.

روش: روش تحقیق مرجع مقاله حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که با روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه، کودکان کار پذیرش شده در مرکز کودکان خیابانی استان یزد را که بر اساس آمار سازمان بهزیستی استان یزد، ۲۱۰ نفر می باشند، مورد مطالعه قرار داده است.

یافته ها: یافته های تحقیق نشان می دهد که عواملی چون بیکاری سرپرست خانواده و فقر اقتصادی خانواده ها، خشونت خانوادگی و فقدان الگوهای تربیتی سالم در رفتار والدین با یکدیگر و کودک و اعتیاد والدین در بروز پدیده کودکان کار نقش داشته اند. در بین این عوامل، خشونت والدین نسبت به کودک و خشونت والدین نسبت به یکدیگر بیشترین تأثیر را در بروز این پدیده داشته اند.

نتایج: نتایج این تحقیق نشان می دهد که رفتار نامناسب والدین با کودک، ناتوانی اقتصادی خانواده، ناسازگاری و عدم تطابق سرپرست خانواده با نقش نظارتی و سرپرستی خود به علت استعمال مواد اعتیادآور به عنوان عوامل پدیدآورنده پدیده کودکان کار محسوب می شود. همچنین مهاجرت های روزافزون به شهر یزد زمینه ساز تشدید این پدیده اجتماعی شده است.

کلیدواژه ها: کودک / کودکان کار / خانواده نابسامان.

۱- دکترای جامعه شناسی بررسی مسائل اجتماعی در ایران، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

۲- دکترای جامعه شناسی ارتباطات، عضو هیئت علمی دانشگاه یزد

۳- کارشناسی ارشد جامعه شناسی

از نظر جمعیت شناختی به افراد بین سنین ۱۰-۵ سال، کودک گفته می شود، اما در قوانین مدنی ایران، سنین متفاوتی برای دوران کودکی ذکر شده است برای مثال، درباره ازدواج، کودکی در دختر ۱۵ سال و در پسر ۱۸ سال تمام پایان می پذیرد^۱ و از نظر شرعی، پایان کودکی در دختر ۹ سال و در پسر ۱۵ سال تمام است یا در مورد شرکت در انتخابات، دوران کودکی در پسر و دختر به طور یکسان با ورود به ۱۶ سالگی پایان می پذیرد^۲ و از جهت صدور گذرنامه، اخذ گواهینامه برای رانندگی و نیز استخدام در سازمان های اداری، پایان کودکی ۱۸ سالگی است. اما، مطابق مقررات سازمانی جهانی کار، پایان کودکی در دختر و پسر به یکسان ۱۵ سالگی است و بر اساس ماده ۷۹ قانون کار ایران مصوب ۱۳۶۹ نیز به کارگماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است، زیرا این سنین باید زمانی برای تفریح، بازی و آموزش عمومی و مهارت های شغلی و زندگی برای کودکان باشد. تا شهروندان سالم، آماده و فعال و بانشاط برای کشور باشند.

امروزه از یک طرف، رشد بالای جمعیت، مهاجرت روستائیان، حاشیه نشینی، فقر و بیکاری و از طرف دیگر، گسترش وسایل ارتباط جمعی، جوامع سنتی را دستخوش تغییر و تحوّل کرده است و این جوامع را با اشکالی از آسیب های اجتماعی مانند کودکان کار و خیابان روبه رو کرده است به گونه ای که تعداد کودکان شاغل در کشورهای در حال توسعه به ۲۵۰ میلیون نفر می رسد که نزدیک ۱۴۰ میلیون نفر آنها به کار تمام وقت اشتغال دارند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۶۴). بر پایه آمارهای رسمی، در ایران نیز ۱/۸۰۰/۰۰۰ کودک کار می کنند، هرچند در آمارهای ایران به کودکان خیابانی و کودکانی که هم درس می خوانند و هم به گونه نیمه وقت کار می کنند و کودکانی که به کارهای کاذب می پردازند، اشاره نمی شود، لکن، یونیسف در گزارش خود درباره ایران آورده است که ۳-۱ درصد کودکان ۶ تا ۱۴ ساله ایرانی کار می کنند و به مدرسه نمی روند (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۴: ۲۹۱).

۱- ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحیه ۱۳۸۱/۴/۱.

۲- بند ۲ ماده ۲۷ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸/۹/۷.

یونیسیف در سال ۱۳۶۵ مشخص کرد که کار کودک در این موارد جنبه استثمارگرانه دارد: ۱- کار تمام وقت در سن بسیار کم؛ ۲- ساعات‌های بسیار زیاد صرف کار کردن شود؛ ۳- کاری که فشار نامناسب جسمی و روانی - اجتماعی بگذارد؛ ۴- کار در شرایط نامناسب و زندگی در خیابان؛ ۵- مزد ناچیز؛ ۶- کار همراه با مسئولیت بیش از حد؛ ۷- کاری که مانع تحصیل شود؛ ۸- کاری که شرف و عزت نفس کودکان را نابود کند مانند بردگی و بهره‌کشی جنسی؛ ۹- کاری که برای رشد کامل اجتماعی و روانی زیانبار باشد (عاشوری، ۱۳۷۸؛ ۳). از این رو، نه تنها کار کردن مانع ادامه تحصیل کودکان و باز ماندن ایشان از حرکت موازی با همسالان خود می‌شود، بلکه، روی سلامت جسمی و بهداشت روانی آنها نیز تأثیر منفی می‌گذارد. کودکان به دلیل اندام ضعیفشان بیش از بزرگسالان در مقابل آسیب‌ها و بیماری‌های ناشی از کار آسیب‌پذیرند و به دلیل سن کم، از خطرهای برخی کارها آگاهی ندارند و یا آگاهی کمی دارند. در نتیجه، تعداد زیادی از کودکان و در برخی کشورها، تقریباً، دو سوم آنها در معرض خطر جدی قرار دارند. بسیاری از کودکان با بیماری‌هایی مانند زخم‌ها، شکستگی‌ها یا قطع عضو، سوختگی و بیماری‌های پوستی، آسیب‌های بینایی و شنوایی، بیماری‌های تنفسی و گوارشی، تب، سردرد ناشی از کار در محیط‌های گرم و... روبه‌رو هستند (وامقی، ۱۳۸۲). بر این اساس بر پایه آمارهای سازمان بین‌المللی کار در سال ۲۰۰۵ به طور متوسط در هر سال ۲۲ هزار کودک در اثر آسیب‌های کار می‌میرند (کلانتری و کیانی، ۱۳۸۴: ۱۸۹).

کودکان کار علاوه بر آسیب‌های جسمی با آسیب‌های غیرجسمی که معمولاً برگشت‌ناپذیرند نیز روبه‌رو می‌شوند، برای مثال، کودکان کارگر از بُعد رشدشناختی دچار ضعف هستند و برای همین نمی‌توانند از آموزش و پرورش برخوردار گردند و حتی در بعضی توانایی‌ها مانند محاسبات ریاضی ضعیف عمل می‌کنند. رشد عاطفی کودکان نیز در اثر کار در شرایط سخت روانی مختل می‌گردد و احساساتی مانند عزت نفس کافی، دلبستگی خانوادگی و احساس عشق در آنها لطمه می‌بیند. این کودکان همچنین دچار انواع افسردگی‌ها و نگرانی‌هایی می‌شوند که با سن آنها تناسبی ندارد و با داشتن یک مسئولیت کوچک در برابر کار در یک کارگاه به دلیل

عدم آموزش لازم و عدم قدرت پیش‌بینی در برنامه‌ریزی، دلهره‌ی همیشگی نسبت به حوادث و خطرات دارند (بایدن، ۱۳۷۹: ۱۲).

اهمیت بررسی کودکان کار وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم عده‌ی زیادی از این کودکان به مشاغل غیررسمی و گاه غیر انسانی مثل قاچاق، تکدی‌گری، سرقت، فحشا و هرزه‌نگاری اشتغال دارند و به این طریق نه تنها به بزهکاری روی آورده و خود را در معرض انواع امراض و آفت‌های اجتماعی قرار می‌دهند، بلکه، موجب مشکلاتی برای جامعه نیز می‌شوند (قاسم‌زاده: ۱۳۷۸). استان یزد نیز از مسئله‌ی کودکان کار مستثنی نیست. ما در شهر یزد شاهد روی آوردن تعداد زیادی از کودکان به معابر و پارک‌ها برای خرید و فروش کالا هستیم، افزایش و اقدام به کار و فعالیت این قبیل کودکان، نگرانی گسترده‌ای برای آینده‌ی آنها به دنبال دارد.

کودکان کار در زمره «کودکان در وضعیّت دشوار» یا «کودکان آسیب‌پذیر شهری» قرار دارند که تحت تأثیر فشارها و تنش‌های زندگی در شهرهای بزرگ جوامع معاصر، فرآیند طبیعی رشد (ابعاد چهارگانه‌ی رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی) و جریان اجتماعی شدن بهنجار آنها در معرض خطر قرار دارد، برای مثال در اکثر موارد این کودکان، از حضور و توجهات والدین به دلیل اشتغال و غیبت طولانی از خانه، به منظور تأمین معاش خانواده محروم هستند یا الگوی روابط کارکردی خانواده‌ی آنها دچار اختلال است (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۵).

سابقه تحقیق

پیشینه پژوهشی تحقیق در جهان

تیندا^۱ (۱۹۷۹) طی پژوهشی در کشور پرو تحت عنوان «فعالیت اقتصادی کودکان پرو در مناطق شهری و روستایی»، تفاوت‌های کار کودکان را با توجه به اختلاف منطقه‌ی جغرافیایی شهر و روستا با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه موردنظر قرار می‌دهد. این تحقیق با قرار دادن خانواده و افراد به عنوان واحد تحلیل،

اهمیت ارتباط عامل‌های محل سکونت، زمینه‌ی اجتماعی خانواده و بعد خانوار را روی رفتار کودکان تعیین می‌کند. بر اساس یافته‌های این تحقیق، احتمال اشتغال کودکان روستایی بیش از دو برابر کودکان شهری است و برای کودکان ۱۳-۶ ساله زمینه اجتماعی قوی‌ترین اثر را روی فعالیت نیروی کارشان دارد. در حالی که شرکت در نیروی کار در سنین ۱۸-۱۴ ساله وابسته به ویژگی‌های فردی به ویژه سن و ثبت‌نام در مدارس فرق می‌کند. همچنین نوع سرپرستی خانوار اثر قوی‌تری از اندازه خانواده بر روی کار کودکان داشته است.

انیو^۱ (۱۹۸۲) در پژوهشی تحت عنوان «ساختار خانواده، بیکاری و کار کودکان در جامائیکا به جنبه‌های فرهنگی کار کودکان» می‌پردازد و بر این باور است که کار کودکان را باید با توجه به ساختاری که در آن قرار می‌گیرند مورد توجه قرار داد. بزرگسالان با در نظر گرفتن وضعیت اقتصاد بحرانی که موجب افزایش بیکاری در این کشور شده و ایشان را در جست‌وجوی کار مجبور به مهاجرت به نقاط دیگری خارج از کشور کرده است، کودکان خود را در خانواده‌هایی که به صورت سنتی به سه شکل با ریاست مادر بزرگ، نوع همخونی و خانواده تک والدین با ریاست زن در این کشور اداره می‌شود رها می‌سازند، یعنی از همان اوان کودکی درجه‌ی بالایی از مسئولیت را متوجه خود کودک می‌سازند و باعث ورود کودکان به بازار کار اتفاقی یا فصلی می‌شوند. در این حالت کودک در درون هنجارهای بخش کارگر اتفاقی، برای دستیابی به خود اتکایی مالی، اجتماعی می‌شود و این بخش، نقش جامعه‌پذیری بر فرد دارد یعنی کودک را مطابق با مقتضیات آن شغل جامعه‌پذیر می‌کند.

سازمان جهانی کار^۲ (۱۹۹۶) پژوهشی را با عنوان «کودکان کار، چه قدر و کجا کار می‌کنند؟» در چهار کشور غنا، هند، اندونزی و سنگال برای اندازه‌گیری کار کودکان به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام داده است. نتایج این پژوهش حکایت از اشتغال ۲۵ درصد از کودکان این مناطق دارد. براساس این تحقیق در سنگال ۴۰ درصد و در سه کشور دیگر بالای ۱۲ درصد از بچه‌ها کار می‌کنند. در هر

1. Ennew.

2. I.L.O.

چهار کشور کار کودکان جهت کمک به اقتصاد خانواده بوده است. کار آنها در کارگاه‌ها یا خرده‌کاری خانواده به خاطر بازگذاشتن دست بزرگسالان برای فعالیت اقتصادی در هر جای دیگر در نظر گرفته می‌شود. این بررسی نشان می‌دهد که ارتباط قوی بین کار کودکان با فقر، بی‌سوادی، سطح توسعه نیافتگی روستاها، شرایط حلبی آبادها، عدم شرکت در آموزش یا فرار کودکان از آن، مرگ یا غیبت دائم پدر، اندازه خانواده و شغل والدین برقرار است.

دی بارخاتوف^۱، ای بوخارف^۲ (۲۰۰۱) در مطالعه تجربی درباره کودکان خیابانی که به سفارش ILO در مسکو انجام داده‌اند، با استفاده از روش‌های پیمایشی و مصاحبه‌های ساخت یافته به بررسی ساختار جمعیت کودکان خیابانی، روال و شیوه تنظیم زندگی و کار کودکان، دلایل کار کودکان، نگرش‌های رفتاری و سبک زندگی ترجیحی کودکان پرداخته‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عواملی از قبیل شرایط مسکن و سکونت، شرایط بهداشت، خطرات و تهدیدات، اذیت‌ها و آزارها، ارتباط با ارگان‌های حمایتی و قانونی، وضعیت تحصیل، منبع درآمد، اشکال مزد و پاداش، طول مدت و میزان حاد بودن کار، در نحوه زندگی و کار کردن آنان و چگونگی بقا و سازگاری این کودکان تأثیر داشته است.

پیشینه پژوهشی تحقیق در ایران

هاشمی (۱۳۴۵) در تحقیقی تحت عنوان «کودکان کار در ایران» به بررسی موضوع پرداخته و چنین اظهار می‌دارد که کودکان کار در ۸ دسته تقسیم می‌شوند: ۱- کودکان فقیر؛ ۲- کودکان بی سرپرست؛ ۳- کودکان مهاجر و مقیم خانواده‌های نابسامان؛ ۴- کودکان ترک تحصیل کرده؛ ۵- کودکان عقب مانده ذهنی؛ ۶- کودکان شاغل در کارگاه‌های خانوادگی بدون مزد؛ ۷- کودکان معلول که معلولیت خود را ابزار گدایی می‌کنند؛ ۸- کودکان مجبور به کار به دلیل بی توجهی خانواده‌هایشان به تحصیل آنها.

1. D. Barkhatov

2. E. Brukhavo.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پر اولاد بودن، مهاجرت روستاییان به شهرها برای تأمین معاش، سپردن کودکان به وابستگان مقیم شهرها برای ادامه تحصیل که در نهایت تعداد زیادی از این کودکان را از هدف اصلی خود (تحصیل) دور می‌کند و بزرگی شهرها از علل اصلی پیدایش و گسترش پدیده کودکان کار است.

قاسم زاده (۱۳۷۹) در پژوهش خود تحت عنوان «کودکان خیابانی زخمی بر پیکر شهرها» که با روش پرسشنامه و مصاحبه در پنج منطقه جغرافیایی شهر تهران انجام داده به نتیجه زیر رسیده است:

مقایسه تعداد کودکان خیابانی در بین سال‌های ۷۶-۷۵ افزایش ۳۶ درصدی را نشان می‌دهد. از نظر جنسیت بیشترین تعداد کودکان کار را پسران تشکیل داده‌اند. از لحاظ سواد، حداکثر تحصیلات بین کودکان ۱۲-۷ ساله تا سوم ابتدایی بوده است. و از لحاظ محل تولد، تعداد کودکان مهاجر بیشتر از کودکان تهرانی بوده است. همچنین در این تحقیق نتایج حاصل از مشاهده‌های محقق نظیر آثار سوء تغذیه و تأخیر در رشد جسمی، آثار سوختگی و جراحت بدنی، آثار سوء عاطفی مانند اضطراب، بی اعتمادی، افسردگی، پر خاشگری و آثار سوء استفاده از مواد مخدر در مورد خردسالانی که ساعت‌ها بی حرکت بر کف خیابان خوابیده‌اند.

آرامی و نوعی تیموری (۱۳۸۰) در پژوهشی تحت عنوان «درآمدی بر آسیب‌شناسی کودکان، با تأکید بر کودکان خیابانی» که به روش مصاحبه تصادفی با ۱۰۰ نفر از کودکان سطح شهرستان زاهدان انجام داده‌اند، به نتایج زیر دست یافته‌اند:

کم‌درآمدی خانواده‌ها، بی‌سوادی و فقدان مهارت‌های حرفه‌ای والدین، پر اولاد بودن خانواده‌ها از عوامل عمده روی آوردن کودکان به کار است. همچنین در این تحقیق به برخی از مشکلات و نابهنجاری‌های روانی این کودکان از قبیل: فقدان هدف در زندگی، هیجانی بودن، اعتماد و هویت رشدنیافته، ترس و عدم امنیت از کلیه مراجع قدرت اشاره دارد.

امیری (۱۳۸۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان در شهرستان بویر احمد» با مطالعه نمونه آماری ۲۰۰ نفری از کودکان کار این شهرستان به نتایج زیر دست یافته است:

کم درآمدی و فقر خانواده‌ها، بی سوادی والدین، مهاجرت روستاییان به شهرستان بویر احمد، پر اولاد بودن خانواده‌های کودکان، اعتیاد والدین و در نهایت خشونت والدین نسبت به کودک از عوامل عمده روی آوردن کودکان به کار است.

سبحانی (۱۳۸۲) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان خیابانی و انطباق اجتماعی آنها» که به صورت مطالعه موردی در شهر تهران انجام شده است با مطالعه ۱۴۹ نفری از کودکان خیابانی شهر تهران به نتایج زیر رسیده است:

از لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها، وضعیت سرپرستی و میزان گسیختگی در روابط زناشویی در بین خانواده‌های کودکان خیابانی و کودکان غیرخیابانی تفاوت معناداری وجود دارد و به دلیل شرایط حاکم، میزان سوءرفتار و کودک‌آزاری در خانواده‌های کودکان خیابانی به طرز معناداری بیشتر از خانواده‌های کودکان غیرخیابانی است.

با مروری بر پژوهش‌های یاد شده می‌توان از پایگاه اقتصادی - اجتماعی پایین خانواده‌ها، اعتیاد والدین، خشونت والدین نسبت به یکدیگر و کودک، بعد خانوار، مهاجرت روستاییان به شهر به عنوان عوامل مهم در بروز پدیده ی کودکان کار یاد کرد.

چارچوب نظری

یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند این پدیده را تبیین کند نظریه اثرات متعامل^۱ است: اصطلاح اثرات متعامل، اصطلاحی است کلی که می‌تواند در مورد تعدادی از نظریه‌ها که برای دستیابی به تجزیه و تحلیل جزئیات خانواده مورد استفاده می‌باشند، به کار برده شود. در این نظریه توجه کلی به راه‌هایی است که ارتباط افراد خانواده را با

1. Interacted effects

یکدیگر و با سایر افراد به صورت نظام پویای اثرات متعامل برقرار می‌سازد (سیف، ۱۳۶۸: ۳۶).

۲۷

۱- اثرات متعامل از طریق اعمال قدرت: در این روش، اعمال قدرت به سه صورت مختلف، صورت می‌گیرد:

الف. ترکیب افقی: قدرت به صورت متقارن و به طور مناسب اعمال می‌شود.

ب. ترکیب عمودی اعمال قدرت شبیه به جداول سازمانی نیروهای مسلح است.

ج. در ترکیب دو ردیفی این امر همبستگی داخلی را به وجود می‌آورد، ولی قدرت بین نسل‌ها متفاوت است.

۲- اثرات متعامل از طریق برقراری رابطه و گفتگو: اثرات متعامل به سه صورت کانال ارتباطی، چرخشی و فاصله‌ای برقرار می‌شود. در فرم ارتباط همه جانبه هر یک از اعضای خانواده از طریق این کانال با یکدیگر ارتباط دارند. در فرم چرخشی یک نفر از اعضای خانواده به طور واسطه ارتباط بین افراد را برقرار می‌سازد و معمولاً مادر این نقش را به عهده می‌گیرد و بالاخره فرم فاصله‌ای نشان می‌دهد که در اثرات متعامل افراد خانواده شکافی وجود دارد.

۳- اثرات متعامل از طریق ابراز محبت: ابراز محبت در بین افراد خانواده‌های مختلف، متفاوت است. در بعضی از خانواده‌ها به علت جدایی همسران یا طلاق علاقه‌مندی و محبت در اثرات متعامل بین افراد خانواده غالباً رو به کاهش گذارده و روابط بین والدین و فرزندان دچار تضاد می‌گردد. رویدادها در دوره‌های مختلف زندگی نحوه‌ی ابراز محبت و علاقه را تغییر می‌دهند. در زمان‌های مختلف مانند ابتدای کودکی یا اوایل ازدواج یا پس از بچه‌دار شدن، محبت و طریقه آن متفاوت است.

با توجه به روابط مذکور پدر، مادر و فرزندان هر یک در این اشکال تعاملی نقش خاص خود را ایفا می‌کنند. بنابراین، با غیبت یک فرد از افراد این گروه کوچک یا وجود اختلال در خانواده، تعاملات ذکر شده شکل دیگری به خود می‌گیرد و در واقع از حالت طبیعی خارج می‌گردد. برای کودکانی که به حدی دچار مشکلات اجتماعی می‌باشند که راه دوری موقتی یا دائم از خانواده را انتخاب می‌نمایند یا اینکه این راه به آنان تحمیل می‌شود و در پی دوری از خانواده جهت تأمین معاش خود به کار در

خیابان و یا بازارها و... می‌پردازند، از این‌رو، فرزندان این قبیل خانواده‌ها به هیچ عنوان نمی‌توانند از تعاملاتی مطلوب و بسنده برخوردار باشند (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

نظریهٔ دیگر نظریهٔ ارتباط بین وضعیّت خانوادگی، نقش‌ها و هنجارهاست. طبق نظریات بیتز^۱ در هر فرهنگ تعداد محدودی نقش وجود دارد که تعداد معدودی وضعیّت یا موقعیّت را به وجود می‌آورد. هر یک از وضعیّت‌ها دارای نقش‌های غائب و پنهان هستند. همیشه هر نقشی با نقش‌دوجانبه یک وضعیّت دیگر پیوستگی دارد. همیشه در یک زوج وضعیّت‌های مربوطه به یکدیگر حداقل یک زوج‌نقش‌دوجانبه که از یک رشته انتظارات اجتماعی ترکیب یافته، وجود دارد. همچنین وضعیّت‌های مختلفی برای پدر به عنوان «پدر-همسر»، مادر به عنوان «مادر-همسر»، برادر به عنوان «پسر-برادر» و خواهر به عنوان «دختر-خواهر» به وجود می‌آید. خانواده در حقیقت به شوهر به عنوان پدر، همسر به عنوان مادر، پسر به عنوان برادر و دختر به عنوان خواهر محدود می‌شود (سیف، ۱۳۶۸: ۵۵).

هر یک از وضعیّت‌های افراد در گروه خانواده دارای نقش‌های بارزی می‌باشند. برای مثال، نقش اصلی شوهر به عنوان پدر، در بین وظایف متعددی که احتمالاً دارد، عبارت از کسب درآمد جهت گذران زندگی خانواده است یا اگر نقش اصلی همسر به عنوان مادر خانه‌داری باشد، هنگامی که این مادر در خارج از خانه شغل داشته باشد، شغل وی در خارج خانه به عنوان یک مسئولیّت یا وظیفه اولیه محسوب نمی‌شود. در این حالت است که نقش اجتماعی پنهان یا مغلوب موقعیّت اجتماعی او خود را ظاهر می‌سازد و این با نقش اجتماعی پدر به عنوان عامل کسب درآمد خانواده متفاوت است و بالاخره در بین نقش‌های مختلف متعلق به موقعیّت اجتماعی نقش‌های دوجانبه پیچیده‌ای به طور آشکار خود را نشان می‌دهند (همان: ۵۶).

هریک از این نقش‌ها و به تبع آن موقعیّت‌های منابع گروهی و اجتماعی می‌باشند و براساس فرهنگ، نیاز اجتماعی، شرایط خانواده و... تشکیل می‌گردند و وظایف و مسئولیّت‌های خاص خود را به دست می‌گیرند. در جامعه ما و به ویژه در

1. Bates.

طبقات اجتماعی پایین که کودکان خیابانی و کودکان کار عموماً از این پایگاه اجتماعی و اقتصادی می‌باشند، پدر عموماً نقش کسب درآمد و تأمین معاش، نظارت و سرپرستی خانواده و زن عموماً نقش خانه‌داری، تأمین محبت مورد نیاز کودکان، محرم اسرار خاموش را به عهده دارد (حسینی، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

حال اگر در خانواده‌های مورد نظر این نقش‌های به خوبی ایفا نشوند و یا اینکه برای مثال، با فقدان پدر به هر دلیل وظایف مراقبتی، انضباطی و کسب درآمد به عهده زن قرار گیرد، نه تنها وظایف نقش دوم توسط داوطلب اجتماعی ایفای نقش به خوبی انجام نخواهد شد، بلکه آن داوطلب در ایفای نقش‌های خود نیز با آشفتگی مواجه می‌شود (همان).

در خانواده‌ای که ترکیب آن به گونه‌ای بوده است که کودک به جای گذران زندگی طبق معمول همسالان خود مجبور به گذران زندگی به طریق دیگر یا دوری و جدایی دایمی یا مقطعی از خانواده یا کار در خیابان‌هاست، پدر عموماً خواسته یا نخواستۀ نقش‌های خود را به خوبی ایفا نکرده است و علاوه بر آنکه خانواده با مشکل تأمین معاش مواجه است، پدر از لحاظ منزلتی در مرتبه‌ی پایینی قرار می‌گیرد و به طور بالقوه امکان ایفای نقش‌های نظارتی و سرپرستی نیز از او گرفته می‌شود (همان: ۱۴۶).

هرچند، احتمالاً توانایی مطلوبی برای ایفای این نقش‌ها را نیز نداشته است. در این حال تمام یا بخشی از وظایف او به عهده مادر و فرزندان قرار می‌گیرد و آنان را مجبور به تلاش برای کسب روزی می‌کند، همچنین مادر یا فرزندان به‌خصوص پسران ارشد خانواده را مجبور به ایفای نقش‌های سرپرستی و نظارتی پدر می‌نماید. در این حال همه نقش‌های داوطلبان دچار مشکلاتی در اجرا می‌گردد؛ زیرا برای قامت دیگری ساخته شده بود. برای مثال، نقش محبتی مادر باید تبدیل به نقش سختگیرانه و پدران‌ای گردد یا نقش برادرانه تبدیل به نقش پدران‌ای می‌گردد، که حاصلی جز تباهی هر دو نقش ندارد (همان).

همچنین نظریهٔ آنومی خانواده نیز در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است. ویلیام گود^۱ با استعانت از مفهوم آنومی و تعمیم آن به نهاد خانواده به عنوان مهم‌ترین آژانس اجتماعی‌کننده، ساختار خانواده، سازمان و انگاره‌های آن را کلیدی برای شناخت شخصیت و رفتار فرد پرورش‌یافته در آن تلقی می‌کند و هرگونه نابسامانی و بی‌سازمانی در این نهاد و ساختار آن را در بروز توسعه و تکوین شخصیت کج‌رو و پیدایش مسائل اجتماعی دخیل می‌داند. وی معتقد است «خانواده» کانون اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک سیستم کوچک اجتماعی که زیربنای جامعه‌ی بزرگ‌تری را فراهم می‌کند، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر تک‌تک افراد آن تأثیر قطعی دارد. به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف خود را به طور مناسب انجام دهند گسیختگی خانواده به‌وجود می‌آید، گسیختگی خانواده معلول عوامل زیر است:

۱- فقدان یا غیبت مادر به علت اشتغال خارج از خانه، مرگ یا طلاق.
۲- وجود روابط عاطفی ضعیف و حتی متعارض بین اعضای خانواده که علی‌رغم زندگی اجتماعی با یکدیگر در ظاهر اما از کارکردهای کنشی متقابل برخوردار بوده و نسبت به یکدیگر از همدلی برخوردار نیستند.

به نظر گود خانواده نقش عمده‌ای در تأمین نیازهای جسمی، روانی و عاطفی فرزندان و اعضای خود ایفا می‌کنند، بعلاوه این نهاد به جریان شناخت خود، کشف خویشتن و هویت‌یابی فرد کمک می‌نماید، نقش عمده‌ای در یادگیری تربیت و آموزش اعضا به عهده دارد و بالاخره خانواده منبع رشد و شکوفایی استعدادهای فرزندان و اعضای خود به‌شمار می‌رود (محسن تبریزی، ۱۳۸۳: ۶۸).

از این‌رو، از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده، عدم ایفای صحیح نقش‌های خانوادگی، احساس ناامنی در محیط خانواده به دلیل مشاهدهٔ رفتارهایی چون بدخلقی، ملامت، سرزنش از سوی والدین و... زمینه‌ساز جدا ماندن کودکان از محیط خانواده و برگزیدن خیابان به‌عنوان یکی از منابع تأمین نیازهای معیشتی

1. williamGood.

ایشان می‌گردد و آنان را مجبور به تلاش برای کسب روزی در محیط بیرون خانواده می‌نماید و پس از چندی این کودکان، خیابان را به عنوان سبک زندگی خود انتخاب می‌کنند (قائمی، ۱۳۶۶: ۵۶).

روش‌شناسی

روش تحقیق پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و نتایج آن کاربردی است. روش مقاله‌ی حاضر پیمایشی و واحد تحلیل آن، فرد است. پرسشنامه، به عنوان ابزار اصلی و مصاحبه و مشاهده به عنوان ابزار فرعی جمع‌آوری داده‌ها این تحقیق را تشکیل می‌دهند.

جامعه‌ی آماری پژوهش را کودکان کار پذیرش‌شده در مرکز کودکان خیابانی سازمان بهزیستی استان یزد تشکیل داده است. مجموع کل این کودکان بر اساس آمار سازمان مذکور ۲۱۰ نفر بوده‌اند که با توجه به حجم محدود جامعه آماری از روش سرشماری در گردآوری داده‌ها استفاده شد.

پس از تعیین اعتبار پرسشنامه به روش اعتبار صوری و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ (با ضریب آلفای ۰/۹۶ که بیانگر همبستگی درونی بالای گویه‌های پرسشنامه بود) به جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه پرداخته شد، سپس از نرم‌افزار آماری SPSS و آماره‌های توصیفی و استنباطی در تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد و فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار گرفت، متغیرهای مستقل شامل مشخصات فردی پاسخگویان، وضعیت شغلی والدین، نوع سرپرستی خانواده، درآمد ماهانه خانواده، خشونت والدین نسبت به یکدیگر و کودک، اعتیاد والدین و متغیر وابسته «کار کودکان» است.

فرضیه‌های تحقیق

۱. بین وضع شغلی والدین با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.
۲. بین نوع سرپرستی خانواده با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.
۳. بین میزان درآمد خانواده با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.

۴. بین میزان خشونت‌والدین نسبت به هم با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.
۵. بین میزان خشونت‌والدین نسبت به کودک با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.
۶. بین اعتیاد والدین با بروز پدیده کودکان کار رابطه وجود دارد.

یافته‌ها

میانگین سن کودکان کار مورد مطالعه ۱۰/۰۷ سال است. از نظر جنس نیز اکثریت جامعه آماری (۷۴/۴ درصد) کودکان پسر هستند. از نظر سطح سواد، تقریباً حدود نیمی از کودکان مورد مطالعه (۴۹ درصد) بی‌سواد، ۴۰/۹ درصد در حد ابتدایی و ۱۰/۱ درصد نیز در حد دوره راهنمایی تحصیل کرده‌اند. از نظر میزان تحصیلات والدین؛ ۵۸/۱ درصد پدران بی‌سواد، ۳۳/۴ درصد در حد ابتدایی، ۰/۵ درصد در حد راهنمایی و ۷/۶ درصد نیز در حد دوره متوسطه تحصیل کرده‌اند، میزان این متغیر برای مادران به ترتیب ۷۱/۹، ۲۴/۴، ۳/۴ و ۰/۵ درصد است. از نظر وضعیت مهاجرت، ۸۴/۳ درصد پاسخ‌گویان به اتفاق خانواده به شهر مورد مطالعه مهاجرت کرده‌اند و تنها ۱۵/۷ درصد جامعه‌ی مورد مطالعه را کودکان متولد و بزرگ شده در شهر یزد تشکیل می‌دهند، میانگین مدت مهاجرت ۹/۸ سال است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که اتباع کشورهای خارجی به خصوص افغانه سهمی عمده در میان کودکان کار دارند. طبق یافته‌ها ۵۹/۵ درصد از کودکان کار شهر یزد را افغانه تشکیل می‌دهند. در میان کودکان کار ۶۸/۱ درصد از ایشان به شغل‌های ساده و کاذب مانند گل‌فروشی، دست‌فروشی، جمع‌آوری ضایعات و نان خشکی، ۱۳/۳ درصد به شغل‌های ساده روی آورده‌اند و ۹/۵ درصد به کارهای فنی مانند شاگردی نزد استادکاران مکانیک، آهنگر و جوشکار، ۹ درصد نیز در حوزه صنایع دستی اشتغال دارند.

بر خلاف تصورات موجود که کودکان کار را افرادی بی‌سرپرست، فراری، بی‌سرپناه و از این قبیل می‌دانند، داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد، اکثریت قریب به اتفاق این کودکان دارای پشتوانه‌های خانوادگی هستند و ۵۶/۷ درصد از ایشان با پدر و

مادر، ۱۱/۴ درصد با پدر، ۲۵/۲ درصد با مادر و ۶/۷ درصد از کودکان کار شهر یزد با افراد دیگر از قبیل گروه دوستان و اقوام خویش زندگی می‌کنند و اکثریت آنها چنان‌که از متن مصاحبه‌های ساختار یافته برمی‌آید با اطلاع خانواده و به توصیه آنها به کار در خیابان، بازارها و... روی آورده‌اند و شب‌ها به خانه و کاشانه خود باز می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر آن است که ۱۳/۳ درصد از پاسخگویان در خانواده‌هایی با درآمد ماهانه کمتر از ۵۰ هزار تومان، ۵۳/۳ درصد با درآمد بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان، ۲۱ درصد با درآمد ماهانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان و ۱۲/۴ درصد نیز با درآمد بیش از ۲۵۰ هزار تومان زندگی می‌کنند.

از متن مصاحبه با افراد جامعه آماری برمی‌آید که بیش از ۶۰ درصد پاسخگویان از کار کردن خود رضایت دارند و ۸۹ درصد ایشان نیز روزانه به طور متوسط تا ۵ هزار تومان درآمد دارند.

نتایج به دست آمده دربارهٔ اعتیاد والدین کودکان مورد مطالعه نشان می‌دهد که به ترتیب ۶۸/۶ پدران و ۵۰ درصد از مادران این کودکان در دام بلای خانمان‌سوز اعتیاد گرفتار هستند. ۵۳/۳ درصد کودکان مورد مطالعه نیز از حیث بهداشت و سلامت به انواع بیماری‌های جسمی و روانی و ۵۰ درصد ایشان نیز انواع مواد اعتیادآور مانند سیگار، موادمخدر، الکل و... را مصرف می‌کنند.

از بعد روانی نیز کودکان کار در خانواده‌هایی زندگی می‌کنند که شاهد انواع خشونت‌های والدین نسبت به یکدیگر و نیز نسبت به خود کودک کار هستند و ۶۸/۶ درصد این کودکان از خشونت متوسط و شدید والدین نسبت به یکدیگر و ۶۹ درصد ایشان نیز از بدرفتاری متوسط و شدید والدین نسبت به خود رنج می‌برند، از طرف دیگر خانواده‌های کودکان کار، خانواده‌هایی پرجمعیت (با میانگین ۶/۶ نفر) هستند و همین عامل هزینه‌های مربوط به تحصیل کودکان را به حداکثر می‌رساند. با این حال ۳۱/۴ درصد کودکان، کار و تحصیل را به هم پیوند زده‌اند و هر دو هدف را دنبال می‌کنند.

جدول شماره ۱: تحلیل فرضیات و مقادیر آزمون‌های مربوط به آنها

سطح معناداری	شدت رابطه phi	سطح معناداری	کای اسکوئر	آزمون‌های آماری / متغیرهای بررسی شده
۰/۰۵	۰/۱۳۳	۰/۰۵	۳/۷۱۴	وضعیت شغلی پدر/کار کودک
۰/۰۲۰	۰/۱۶۶	۰/۰۲۰	۵/۳۸۰	وضعیت شغلی مادر/کار کودک
—	—	۰/۵۹۴	۱/۸۹۸	نوع سرپرستی کودک/ کار کودک
۰/۰۰۰	۰/۳۲۷	۰/۰۰۰	۲۲/۴۴۴	درآمد ماهانه‌ی خانواده/ کار کودک
۰/۰۰۲	۰/۲۴۴	۰/۰۴۰	۸/۲۹۴	اعتیاد والدین/کار کودک

جدول شماره ۲: نتایج آزمون t، بین میزان خشونت والدین نسبت به همدیگر و کودک با کار کودکان

سطح معناداری	t	سطح فاصله اطمینان ۹۵ درصد تفاوت دو میانگین		اختلاف میانگین‌ها	میانگین‌ها		متغیر
					شاغل	محصل	
۰/۳۳۹	-۰/۹۵۸	-۱۰/۸۰۲	۳/۳۷۹	-۳/۵۳۱	۵۲/۳۰	۴۸/۷۷	خشونت والدین نسبت به همدیگر
۰/۰۶۲	-۴/۳۵۴	-21/024	-۷/۸۹۶	-۱۴/۴۶۰	۵۰/۹۹	۳۶/۵۳	خشونت والدین نسبت به کودک

با اجرای آزمون کای اسکوئر یافته‌ها نشان می‌دهد که در فرض اول رابطه موجود بین دو متغیر وضعیت شغلی پدر و کار کودک با $\text{sig} = 0/05$ معنادار بوده و به موازات افزایش بیکاری پدر، کار کودک بیشتر می‌شود، از این‌رو، از لحاظ آماری فرض مخالف مبنی بر وجود رابطه بین این دو متغیر تأیید شد، علاوه بر آن، در همین فرضیه رابطه متغیر وضعیت شغلی مادر نیز با $\text{sig} = 0/020$ با کار کودک تأیید می‌شود، به عبارت دیگر در خانواده‌هایی با مادران خانه‌دار، تعداد کودکان کار بیشتر می‌شود.

در فرضیه دوم نیز با $\text{sig} = 0/594$ فقدان رابطه بین دو متغیر نوع سرپرستی با کار کودک تایید می‌شود. گرچه در اینجا وجود رابطه بین دو متغیر مذکور مورد تأیید قرار نگرفت لیکن باید توجه داشت که بد سرپرستی یا تک‌سرپرستی کودکان به علل گوناگون (فوت، طلاق، زندانی بودن سرپرست و...) دو پیامد بسیار مهم برای کودک دارد:

اولی؛ دوری از آغوش خانواده که به عنوان پناهگاهی او را از تهدیدهای احتمالی جسمی، روحی و مالی در امان نگاه می‌دارد و دومی چشم‌گشودن کودک به دنیای ناشناختهٔ کوچه، بازار و... که می‌تواند زمینه‌ساز گرفتار شدن کودک در دام سودجویان، کشیده شدن کودک به راه‌های خلاف شرع و قانون در جهت بر آوردن نیازهای حیاتی اولیهٔ خویش و بسیاری از حوادث و خطرات دیگر برای او باشد.

در فرضیه سوم، رابطه موجود بین دو متغیر درآمد خانواده با کار کودک با خطای کمتر از $0/05$ معنادار بوده و شدت رابطه در حدود $0/33$ (در حد ضعیف) است و از لحاظ آماری فرض صفر مبنی بر فقدان رابطه بین این دو متغیر رد شد.

همچنین با اجرای آزمون t یافته‌های ما نشان می‌دهد که فرض چهارم مقاله حاضر با اندازه t برابر $0/958$ با سطح معناداری $0/339$ معنادار نبوده هر چند جدول فوق نشان می‌دهد میزان خشونت والدین نسبت به همدیگر در گروه کودکان شاغل بیشتر است اما این تفاوت از لحاظ آماری معنی دار نیست.

فرض دیگر مقاله حاضر خشونت والدین نسبت به کودک با کار کودک است. روحیهٔ پرخاشگری و خشونت ابزاری است که بسیاری از والدین با توسل به آن سعی می‌کنند تا کودک را از خواهش و اصرار بر بر آوردن نیازهای اولیهٔ خود دور سازند. تصور ما بر این که هرچه خشونت والدین نسبت به کودک بیشتر باشد، جدا شدن کودک از کانون خانواده و رها شدن آن در کوچه، خیابان و... و روی آوردن به مشاغل کاذب، کارگری و... برای تأمین نیازهای اولیهٔ ایشان بیشتر می‌شود، اگرچه در مقاله حاضر از لحاظ آماری اختلاف میانگین میزان خشونت والدین نسبت به کودک با توجه به اندازه t برابر $4/354-$ و سطح معناداری $0/062$ معنادار نیست.

در آخرین فرضیه مقاله حاضر مبنی بر وجود رابطه بین دو متغیر اعتیاد والدین و کارکردک استوار است، این فرض با $sig=0/002$ تأیید شد، از این رو، هرچقدر بر میزان اعتیاد والدین افزوده شود به موازات آن بر تعداد کودکان کار افزوده شده است. شدت رابطه بین این دو متغیر نیز در حدود $0/244$ (در حد ضعیف) می باشد.

تبیین کار کودکان در مدل رگرسیون

به منظور تبیین کار کودکان براساس این متغیرها از رگرسیون چند متغیره گام به گام^۱ استفاده شده است. در مجموع از ۴ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون، تمام متغیرهای مستقل در این تحلیل باقی ماندند که ضریب همبستگی آنها با کار کودکان برابر $R=0/459$ و ضریب تعیین برابر $0/210$ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر $0/195$ به دست آمده است و این ضرایب بیانگر آن است که حدود $19/5$ درصد از واریانس کار کودکان توسط متغیرهای موجود در معادله رگرسیونی تبیین می شود. همچنین مدل رگرسیونی تبیین شده نیز طبق آزمون تحلیل واریانس انجام شده نیز، خطی و معنادار است، زیرا مقدار آزمون F برای تبیین معناداری اثر متغیرهای مستقل بر باروری برابر $13/644$ با سطح معناداری $p=0/000$ است. در جدول زیر ترتیب متغیرهای مستقل در مدل رگرسیونی به همراه ضرایب مربوط و سطح معناداری آن نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳: نتایج رگرسیون مدل نهایی

Sig	t	ضرایب استاندارد شده		متغیرهای مستقل
		Beta	Std. Error	
0/000	6/302	0/675	0/002	خشونت والدین نسبت به کودک
0/000	-4/562	-0/488	0/002	خشونت والدین نسبت به یکدیگر
0/000	-3/656	-0/224	0/070	وضعیت شغلی مادر
0/014	2/482	0/160	0/049	وضعیت شغلی پدر

در نهایت با ملاحظه مقادیر Beta متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود که خشونت والدین نسبت به کودک با مقدار $Beta = 0/675$ ، خشونت والدین نسبت به یکدیگر با مقدار $Beta = -0/488$ ، وضعیت شغلی مادر با مقدار $Beta = -0/224$ ، وضعیت شغلی پدر با مقدار $Beta = 0/160$ بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی میزان کار کودکان دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده کودکان خیابانی یکی از مشکلات آسیب‌زای اجتماعی است که از دیرباز در سرتاسر جهان وجود داشته و در سال‌های اخیر به دلایل گوناگون در کشور ما نیز افزایش یافته است. طبق نظریه‌های کارشناسان و مطالعه منابع موجود می‌توان گفت در بروز و شیوع این پدیده، عوامل اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، زیستی-روانی و حقوقی بسیاری دخیل هستند؛ که در این پژوهش تأثیر خانواده نابسامان بر پدیده کار کودکان مورد بررسی قرار گرفته است. تئوری مورد استفاده در این تحقیق، نظریه اثرات متعامل و نظریه آتومی خانواده است که طبق این تئوری، خانواده نابسامان و بد رفتاری والدین با کودک، زمینه‌ساز از هم پاشیدگی سازمان اجتماعی خانواده و ایجاد احساس ناامنی برای کودک در محیط خانه می‌شود و همچنین اعتیاد والدین و وضعیت شغلی نامناسب آنها وضعف بنیه اقتصادی خانواده که حاصل آن عدم ایفای صحیح نقش والدین، قرار گرفتن ایشان در مرتبه پایین از لحاظ منزلتی و باز ستاندن نقش‌های نظارتی و سرپرستی از آنها در محیط خانواده می‌باشد مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس نتایج این پژوهش، رفتار نامناسب والدین با کودک، ناتوانی اقتصادی خانواده، ناسازگاری و عدم تطابق سرپرست خانواده با نقش نظارتی و سرپرستی خود به علت استعمال مواد اعتیادآور به عنوان عوامل پدیدآورنده پدیده کودکان کار محسوب می‌شود. علاوه بر نارسایی‌های موجود در محیط خانواده، آن‌گونه که در آماره‌های توصیفی یاد شد، مهاجرت روزافزون به شهر یزد که در این میان مهاجران اتباع کشورهای همسایه مانند افغانستان نقش عمده‌ای بازی می‌کنند، زمینه‌ساز تشدید نارسایی‌های موجود شده است.

همچنین وضعیت شغلی پدر با کار کودکان رابطه معناداری داشته است یعنی به موازات افزایش بیکاری پدر، کار کودک نیز بیشتر می‌شود که این مورد با یافته‌های انیو (۱۹۸۲) و سازمان جهانی کار (۱۹۹۶) همسو است و یافته‌های آنان را تأیید می‌کند.

از طرفی رابطه بین متغیر نوع سرپرستی با کار کودک، مورد تأیید قرار نگرفته که این مورد با یافته‌های تیندا (۱۹۷۹) در تضاد است که بد سرپرستی و تک سرپرستی رادبروزپدیده کودکان کار مؤثر می‌داند.

همچنین رابطه بین متغیر درآمد خانواده با کار کودک مثبت و معنادار بوده است که این نتیجه با یافته‌های آرامی و تیموری (۱۳۸۰)، سازمان جهانی کار (۱۹۹۶)، هاشمی (۱۳۴۵) و امیری (۱۳۸۲) همسو است.

اگر چه یافته‌های حاصل از آزمون تفاوت میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان خشونت والدین نسبت به همدیگر در گروه کودکان شاغل بیشتر است؛ اما این تفاوت از لحاظ آماری معنادار نیست که این مورد با یافته‌های دی بارخاتوف و ای بوخارف (۲۰۰۱) و سبحانی (۱۳۸۲) در تضاد است.

فرض دیگر این پژوهش، تأثیر خشونت والدین نسبت به کودک در بروز پدیده کودکان کار است. اگرچه میانگین میزان خشونت والدین نسبت به کودک در میان کودکان کار بسیار بالاست، اما این تفاوت با سطح معناداری ۰/۰۶۲ معنادار نیست که با یافته‌های قاسم زاده (۱۳۷۹)، دی بارخاتوف و ای بوخارف (۲۰۰۱) و امیری (۱۳۸۲) در تضاد است.

آخرین فرضیه مقاله حاضر بر وجود رابطه بین دو متغیر اعتیاد والدین و کار کودک استوار است، این فرض با $\text{sig}=0/002$ تأیید شد، از این رو، هرچه قدر بر میزان اعتیاد والدین افزوده شود به موازات آن، پدیده کودکان کار نیز افزایش می‌یابد، که این مورد با یافته‌های امیری (۱۳۸۲) و سبحانی (۱۳۸۲) همسو بوده و یافته‌های آنان را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که برنامه‌ریزی برای شناسایی، پیشگیری و کاهش پدیدهٔ کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن باید بر اساس محورهای زیر صورت گیرد:

۱- راهکارهای بلندمدت

- از بین بردن فقر و ناآگاهی، برقراری عدالت اجتماعی، تأمین رفاه اجتماعی و... که مستلزم تغییرات اساسی در ساختارهای اجتماعی - اقتصادی جامعه است. این راهکارها در واقع آرمانه‌های ما هستند که در کوتاه مدت امکان تحقق آنها وجود ندارد، اما عامل برانگیزنده برای کار و تلاش ما در زندگی هستند.

- سرمایه‌گذاری‌های کلان اقتصادی و فرهنگی در روستاها و شهرهای کوچک به منظور مهار سیل مهاجرت روزافزون به مراکز استان‌ها.

۲- راهکارهای کوتاه مدت

- شناسایی کودکان کار، برقراری ارتباط با آنان و جلب اعتماد آنها با کمک مددکاران اجتماعی و هدایت آنها به مراکز آموزشی برای آموزش سواد، مهارت‌های زندگی و مهارت‌های فنی.

- استفاده از مشارکت‌های مردمی برای حمایت از کودکان کار.

- شناسایی کودکانی که با انواع خشونت‌های (جسمی، جنسی، روحی و...) در محیط خانواده درگیر هستند و حمایت قانونی از ایشان.

- مراجعه به خانواده‌های کودکان کار، برای شناسایی وضعیت ایشان و ارائه کمک‌هایی به منظور رفع بحران در محیط خانوادگی ایشان.

- ارائه خدمات مورد نیاز به خانواده‌های کودکان کار با توجه به اینکه اکثر این کودکان با خانواده زندگی می‌کنند (خدمات آموزشی، بهداشتی، مشاوره‌ای و...).

- ایجاد اشتغال برای حداقل یکی از اعضای خانواده‌های فقیر برای پیشگیری از احتیاج خانواده به درآمد کودکان کار.

- برخورد انتظامی و قضایی با کارفرمایان و خانواده‌هایی که از مزایای کودکان کار استفاده می‌کنند.
- شناسایی والدین معتاد با کمک نهادهای انتظامی و سایر ارگان‌های مربوطه و معرفی ایشان برای ترک اعتیاد به سازمان‌های بازپروری.
- اقدامات پیشگیرانه با افزایش آگاهی‌ها و آموزش خانواده‌ها از طریق رسانه‌های عمومی از قبیل صدا و سیما، در مورد مضار اجتماعی و اقتصادی پدیده‌ی کودکان کار و آسیب‌هایی که در محیط کار بر کودکان وارد می‌شود.

منابع

- ۱- آرامی، شهریار و نوعی تیموری، سید محمد (۱۳۸۰). درآمدی بر آسیب‌شناسی کودکان با تأکید بر کودکان کار، مشهد: مؤسسه پژوهش مولی الموحدین.
- ۲- امیری، زارع (۱۳۸۲) بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر کار کودکان در شهرستان بویراحمد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دهقان: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۸۴) «کودکان کار و نظم نوین جهانی»، ماهنامه ادبی - اجتماعی چیستا، شماره ۲۱۹.
- ۴- بایدن، جو و مایرس، ویلیام (۱۳۷۹) روش‌های مبارزه با کار کودکان، ترجمه سام هدا، تهران: دفتر یونیسف.
- ۵ - حسینی، سید حسن (۱۳۸۵) مجموعه تحلیل‌های آسیب‌های اجتماعی در ایران؛ کودکان کار و خیابان، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی دانشگاه تهران: نشر سلمان.
- ۶ - سبحانی، نقی (۱۳۸۲) بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش و گسترش پدیده کودکان خیابانی و انطباق اجتماعی آنها: مطالعه موردی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- ۷ - سیف، سوسن (۱۳۶۸) تنوری رشد خانواده، تهران: نشر دانشگاه الزهراء.
- ۸ - عاشوری، محمدرضا (۱۳۷۸) «کودکان رنج و کار»، ماهنامه اندیشه جامعه، شماره ۷، صفحات: ۳-۹
- ۱۲ - قائمی، علی (۱۳۶۶) آسیب‌ها و عوارض اجتماعی: ریشه‌یابی، پیشگیری، درمان، تهران: انتشارات امیری.
- ۱۳ - قاسمزاده، فاطمه (۱۳۷۸) «کودکان کار»، ماهنامه اندیشه جامعه، شماره ۷، صفحات: ۲۷-۲۰.
- ۱۴ - قاسمزاده، فاطمه (۱۳۷۹) «کودکان خیابانی زخمی بر پیکر شهرها»، ماهنامه جامعه سالم، شماره ۳۹، صفحات: ۲۴-۱۴.

- ۱۵- کلاتری، صمد و کیانی، مژده (۱۳۸۴) «بررسی تطبیقی کار کودکان در کشورهای پیشرفته و جهان رو به توسعه با تکیه بر شاخص توسعه انسانی»، ماهنامه سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۳۲-۲۳۱، صفحات: ۲۹۹-۲۹۱.
- ۱۶ - محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) وند/لیسم، تهران: انتشارات آن.
- ۱۷- وامقی، مروئه (۱۳۸۲) «کار کودک، مفاهیم و رویکردها»، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۸، صفحات: ۱۴۱-۱۳۳.
- ۱۸- هاشمی، ژینوس (۱۳۴۵) «کار کودکان در ایران»، پایان نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

19- Brukhavo& Barkhatov(2001). “ *Street Children in Mosco*” ,
www.ILO.

20-Ennew, Judith(1982). “Family Structure, Unemployment and Child Labour in Jamaica”, *Development and Change*, Vol 13. No 4.

21-I.L.O(1996). “Children at Work: How Many and Where?”, World of Work:*The Magazine of The International Labour Review*, No 15.

22- Tienda, Marta(1979). “Economic Activity of Children in Peru: Labour Force Behavior in Rural and Urban Contyts”, *Rural Sociology*, Vol. 44. No 2.